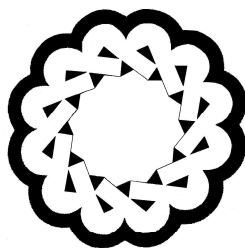


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ولی عصر

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

**بررسی مرثیه و مرثیه سرایی در ادبیات فارسی از پایان عصر صفویه تا آغاز مشروطه**

استاد راهنما:

دکتر زهرا سید یزدی

استاد مشاور:

دکتر نسرین فلاح

دانشجو:

پروین رجبی

تیرماه ۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق  
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان است.



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

با عنوان:

« مرثیه سرایی در ادبیات فارسی از پایان عصر صفویه تا آغاز مشروطه »

دانشجو:

« پروین رجبی »

- در تاریخ توسط هیأت داوران زیر بررسی شد و با درجه‌ی عالی به تصویب نهایی رسید.
- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر زهرا سیدیزدی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر نسرین فلاح با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء
- ۳- استاد داور داخلی گروه دکتر سعید حاتمی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء
- ۴- استاد داور خارجی گروه دکتر عنایتا... شریف‌پور با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء
- ۵- نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی دکتر حمیدرضا افشین با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء

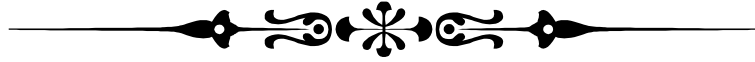
## تقدیر و قدردانی:

سپاس بی شمار او را که انعکاس ذره ای از پرتوی بی منتهایش، آتش اشتیاق آموختن را در آدمی شعله ور می سازد.

سپاس ویژه دارم از سرکار خانم دکتر سیدیزدی، به پاس راهنمای بی شائبه در تمام مراحل تکمیل پایان نامه و نیز سپاسگزاری از ایشان جهت راهنمایی های گراقتدر وی در طول مدت تحصیل که افتخار تلمذ از محضرشان را داشته ام.

همچنین از اساتید محترم سرکار خانم دکتر نسرین فلاح که مشاوره ی این پایان نامه را بر عهده داشتند و جناب آقای دکتر سعید حاتمی که در انتخاب موضوع پایان نامه مرا راهنمایی نمودند، تشکر می نمایم.

وظیفه خویش می دانم از همکاری همسر بزرگوار و فرزند دلبندم به سبب فداکاری و گذشت فراوان در تحمل مشکلات ناشی از اشتغال به تحصیل اینجانب، تقدیر صمیمانه داشته باشم.



**تقدیم به ساحت مقدس سید و سالار شهیدان**

**حسین بن علی (ع)**

۹

**همسر گرامیم که همواره یار و مشوقم در امر**

**تحصیل بوده اند.**

## چکیده

آنچه در این مجموعه پیش روی شماست، بررسی و تحلیل مرثیه سرایی از پایان عصر صفویه تا آغاز دوره ی مشروطه است. در حقیقت این پژوهش جبران کننده ی نقص خلائی است که در مطالعات مرثیه پژوهی فارسی وجود دارد؛ زیرا پیش از این، مرثیه سرایی از آغاز تا پایان صفویه و از مشروطه تا سال ۱۳۳۳ شمسی بررسی شده بود.

مرثیه گونه ای مهم از ادبیات غنایی است، که به دلیل پیوند آشکار آن با نفسانیات و عواطف انسانی همواره مورد توجه شاعران فارسی زبان بوده است. روشن است تحلیل محتوایی و ساختاری مرثیه های فارسی نه تنها بیان کننده ی اوضاع روحی و روانی شاعران هر دوره است بلکه در بازشناسی و بازیابی دلایل گرایش به مرثیه و دردها و رنج های بشری و توصیف فضای اجتماعی مؤثر و حیاتی است، بخش قابل توجه ای از اشعار سرایندگان را شامل می شود. پژوهش و بررسی این سروده ها و بیان کم و کیف آن ها در حیطه ی زمانی ذکر شده، در این پایان نامه مورد نظر بوده است.

فصل اول، شامل مقدمه، بیان مسئله، پیشینه ی تحقیق و ... می شود.

فصل دوم، توضیحاتی درباره ی مرثیه و قدمت و نوع آن و نخستین سرایندگان مرثیه ارائه گردیده است.

فصل سوم، به سبک بازگشت ادبی و ویژگی های آن اختصاص داده شده است؛ زیرا سبک شعری شاعران مورد مطالعه سبک بازگشت می باشد.

در فصل چهارم که اصلی ترین فصل پایان نامه می باشد شامل شرح مختصری از احوال شاعران مرثیه گو و بررسی مرثیاتی آن ها می باشد.

فصل پنجم، نتیجه گیری است که در آن به دستاوردهای اصلی این پژوهش اشاره شده است.

**کلمات کلیدی:** مرثیه، مرثیه سرایی، ادبیات غنایی، دوره ی بازگشت ادبی.

## فهرست مطالب

### فصل اول: مقدمه

- ۱-۱- بیان مسئله ..... ۱
- ۲-۱- پیشینه ی پژوهش ..... ۱
- ۳-۱- اهمیت پژوهش ..... ۲
- ۴-۱- پرسش های پژوهش ..... ۲
- ۵-۱- شیوه ی پژوهش ..... ۲

### فصل دوم:

- ۱-۲- مرثیه و مرثیه سرایی ..... ۵
- ۲-۲- پیشینه ی مرثیه ..... ۶
- ۳-۲- اقسام مرثیه ..... ۸
- ۱-۳-۲- مرثی درباری ..... ۸
- ۲-۳-۲- مرثی شخصی و خانوادگی ..... ۱۰
- ۳-۳-۲- مرثی مذهبی ..... ۱۱
- ۴-۳-۲- مرثی فلسفی ..... ۱۴
- ۵-۳-۲- مرثی اجتماعی ..... ۱۵
- ۶-۳-۲- مرثی داستانی ..... ۱۵

### فصل سوم:

- ۱-۳- مکتب بازگشت ..... ۱۷

### فصل چهارم:

#### مرثیه سرایان

- ۱-۴- آذر بیگدلی ..... ۲۳
- ۲-۴- هاتف اصفهانی ..... ۳۰
- ۳-۴- رفیق اصفهانی ..... ۳۳
- ۴-۴- صباحی بیدگلی ..... ۳۵



۴۵	.....۶-۴- نیاز جوشقانی
۴۸	.....۷-۴- وصال شیرازی
۵۶	.....۸-۴- ملابمانعلی راجی کرمانی
۶۰	.....۹-۴- مستوره کردستانی
۶۴	.....۱۰-۴- قآنی
۶۶	.....۱۱-۴- صدرالممالک اردبیلی
۷۰	.....۱۲-۴- یغمای جندقی
۷۳	.....۱۳-۴- عاشق اصفهانی
۷۶	.....۱۴-۴- داوری شیرازی
۸۵	.....۱۵-۴- همای شیرازی
۹۶	.....۱۶-۴- سروش اصفهانی
۱۰۶	.....۱۷-۴- جیحون یزدی
۱۲۰	.....۱۸-۴- عبدالعیشاه نطنزی کاشانی
۱۲۳	.....۱۹-۴- جودی خراسانی
۱۲۹	.....۲۰-۴- وفایی شوشتری
۱۳۵	.....۲۱-۴- روشن اردستانی
۱۴۱	.....۲۲-۴- صفی علیشاه
۱۴۳	.....۲۳-۴- میرزا محمد تقی حجه الاسلام نیر
۱۴۹	.....۲۴-۴- صفایی جندقی
۱۵۳	.....۲۵-۴- محیط قمی
۱۵۶	.....۲۶-۴- محمد حسن ساکت
۱۶۱	.....۲۷-۴- الهامی کرمانشاهی
۱۶۸	.....۲۸-۴- سرخوش نفرشی
۱۷۰	.....۲۹-۴- جوهری
۱۷۲	.....۳۰-۴- شیخ عبدالحسین شیخ الاسلامی دزفولی (بهاءالدین)
۱۷۶	.....۳۱-۴- عندلیب کاشانی

۱۸۰	.....۴-۳۲- وافی نجار
	فصل پنجم:
۱۸۴	.....۵-۱- نتیجه گیری
۱۸۸	.....فهرست منابع
۱۹۱	.....چکیده انگلیسی

## مقدمه

## ۱-۱- بیان مسئله:

آنچه در این مجموعه با عنوان « بررسی مرثیه سرایی در ادبیات فارسی از پایان عصر صفویه تا آغاز مشروطه » ارائه شده، بررسی مرثیاتی دیوان شاعران عصر بازگشت ادبی است. از آنجا که مرثیه سرایی سابقه ای طولانی در شعر فارسی دارد و همیشه به عنوان یکی از موضوعات و درون مایه های شعر فارسی مطرح بوده است و شعرای فارسی زبان کم و بیش در قالب قصیده به آن پرداخته اند. در سده های هشتم و نهم که مصادف با نیرو گرفتن شیعه اثنی عشری در ایران بود. سرودن مرثیه و مصائب اهل بیت رونق فراوان یافت و این روند تا پایان دوره قاجاریه به اوج خود رسید و به یک نوع ادبی در ادبیات فارسی بدل گردید. در محدوده زمانی پایان صفویه تا شروع مشروطه، مرثیه سرایان به نامی ظهور کردند از جمله: وصال و همای شیرازی، شیخ الاسلامی و یغمای جندقی. در این دوره غیر از شعرهای پراکنده در دیوان ها، آثار مستقلی نیز به این نوع ادبی اختصاص یافته است. نظیر شاهد نامه ی الهامی کرمانشاهی، طوفان البكاء جوهری و آتشکده ی نیر. با نگارش این رساله ابعاد مختلف این نوع ادبی از پایان عصر صفوی تا آغاز مشروطه روشن می گردد. برجسته ترین مرثیاتی از حیث نوع و شیوه بیان و ویژگی های سبکی و صنایع ادبی تجزیه و تحلیل و نمونه ای از اشعار مرثیاتی ذکر می شود.

## ۱-۲- پیشینه ی پژوهش:

در زمینه مرثیه سرایی در شعر فارسی تا کنون پایان نامه هایی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری نوشته شده است. از جمله: مرثیه سرایی در ادبیات فارسی از آغاز تا پایان قرن هشتم نوشته ی نصرالله امامی که رساله دکتری ایشان بوده است که بعدها به صورت کتاب در آمد. در این اثر نویسنده پس از

اشاره مختصری به زندگی و احوال شاعران مرثیه گو برجسته ترین مراثی آنها از لحاظ نوع مرثیه، سبک و اسلوب بیان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در آخر چند بیتی از اشعار مراثی را نقل کرده است. مرثیه سرایی از قرن نهم تا پایان دوره ی صفویه عنوان پایان نامه های دکترای محسن حجازی از دانشگاه تهران می باشد و همچنین مرثیه سرایی از بعد از مشروطه تا سال ۱۳۳۳ هـ.ش. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد مهدی احمدی از دانشگاه اصفهان می باشد. شیوه کار این رساله ها نیز متأثر از کتاب نصرالله امامی می باشد.

### ۱-۳- اهمیت پژوهش:

جای بررسی محدوده زمانی از پایان صفویه تا اول مشروطه در مرثیه پژوهی خالی است و اهمیت پایان نامه ی حاضر این است که به عنوان یک حلقه اتصال تحقیقات انجام شده در این باره از دوره صفویه را به تحقیقاتی که از دوره مشروطه به بعد انجام شده است، پیوند می دهد و تحقیقات در این زمینه را کامل می کند و در واقع روند مرثیه سرایی را از پایان عصر صفوی تا آغاز دوره مشروطه بررسی می کند.

### ۱-۴- پرسش های تحقیق:

- شیوه ی بیان و ساختار درونی و بیرونی برجسته ترین مراثی دوره ی بازگشت چگونه است؟
- آیا سبک و سیاق مرثیه در این دوره با ادوار گذشته تفاوت داشته است؟
- تقلید و متابعت شعرا از گذشتگان در چه حدی بوده است؟
- آیا نوآوری هایی در عناصر مهم شعر از جمله؛ تخیل، عاطفه و زبان دیده می شود؟

### ۱-۵- شیوه ی پژوهش:

روش انجام این رساله کتابخانه ای است، به این ترتیب که منابع در پیوند با موضوع از کتاب خانه های متعدد جمع آوری می گردد. سپس تک تک مراثی با دقت مورد مطالعه قرار گرفته. نکته های مهمی نظیر نوع مرثیه، برجسته ترین مرثیه، ویژگی های ادبی مراثی و... تعیین و روی برگه ها یادداشت می گردد و برای شرح حال سراینده ی اشعار تا حد امکان سعی می شود به منابع معتبر رجوع شود که به اختصار در آغاز مبحث هر کدام از شعرا آمده است و پس از تنظیم و انسجام بخشی به مطالب

مرتبط با مراثی بخشی از برجسته ترین مراثی هر شاعر به عنوان نمونه نقل می شود. در فصل نخست ابتدا تعریفی جامع از مرثیه شده، به پیشینه ی مرثیه و اولین مراثی فارسی پرداخته می شود و بعد از آن انواع مرثیه و برجسته ترین آنها معرفی می گردد.

در فصل دوم بحثی کوتاه درباره ی سبک شعرای دوره ی بازگشت که سبک شعری شاعران مورد بحث این پایان نامه را شامل می شود، ارائه می گردد و سپس در فصل سوم پس از معرفی شعرا و خلاصه ای از زندگی نامه ایشان به بررسی مراثی آنها پرداخته و نقد گونه ای گاه مفصل و گاه به اجمال از آن ها می شود در ترتیب قرار گرفتن شاعران مرثیه سرا تاریخ وفات آنها مد نظر خواهد بود.

## **فصل دوم**

---

### **مرثیه و مرثیه سرایی**

## ۲-۱- مرثیه و مرثیه سرایی

« له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت »

مرثیه در فارسی، عربی یا هر زبان دیگر شکلی خاص از شعر است که در آن عنصر عاطفه و احساس بر جنبه ی عقلی، استدلالی غلبه می کند. رثا در لغت به معنی مرده ستایی و گریه کردن بر مرده و ذکر بزرگی های او و همچنین شعر گفتن در باب مرده با اظهار تاسف است، مرثیه از لحاظ محتوا و مضمون از نوع ادب غنایی است. (رزمجو، ۱۳۷۲: ۹۹)

«شعرای فارسی زبان از مراثی عربی چه در مضمون و چه در تصویر سازی بسیار تاثیر پذیرفته اند. در میان شعرای فارسی مرثیه نوعی مستقل از شعر محسوب نمی شد و اگر احیاناً در آثار پیشینیان در تقسیم بندی ها، مرثیه را نوعی خاص شمرده اند تقلیدی از تقسیم بندی عربی بوده است. اندیشه استقلال مرثیه در شعر فارسی قدمت زیادی ندارد و تنها در تقسیم بندهای جدید مرثیه را در شمار اشعار غنایی شمرده اند و آن را نوعی مستقل محسوب داشته اند و معتقدند که شعر غنایی عبارت از اشعاری است حاکی از عواطف و احساسات روحی و شامل وصف، مدح، رثا، فخر، هجا و غزل و .. می شود.» (امامی، ۱۳۶۹: ۱۸)

رثا در ادب فارسی تعریف کلی تر از عربی دارد و موجز ترین شکل این تعریف کلی چنین است: رثا و مرثیه به اشعاری اطلاق می شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تاسف و تالم بر مرگ سلاطین و صدور و اعیان و سران قوم و ذکر مصائب پیشینیان دین و ائمه اطهار (ع) مخصوصاً حضرت سید الشهدا (ع) و شهدای کربلا (ع) و شمردن مناقب و فضایل و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و دعوت ماتم زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است.

البته کیفیت های دیگری را نیز به این تعاریف اضافه کرده اند « مثلاً دکتر زرین کوب حبسیات را هم در محدود مرثیه گنجانیده است و ظاهراً هر شعری که از آلام و و مصایب فردی یا جمعی سروده شده است از نظر ایشان مرثیه محسوب می شود. شبلی نعمانی حتی اشعاری را که حافظ در بستن میخانه ها و شکستن خم های شراب سروده است نیز نوعی مرثیه برای شراب می شناسد. گروهی دیگر اشعار یاس آلود یا تفکرات فیلسوفانه خیام را نیز نوعی مرثیه شمرده اند و آنها را جزو مرثیه فلسفی جای داده اند. ( امامی، ۱۳۶۹: ۱۸)

مرثیه سرا، نوحه سرایی را طوری آغاز می کند که در ضمن آن بتواند به بر شمردن اوصاف پسندیده و مناقب و بزرگی های شخصیت از دست رفته بپردازد و صاحبان عزا را به صبر و شکیبایی و مفاهیم ارزشمند زندگانی پس از مرگ و این که زندگی این دنیا زودگذر است دعوت کند ولی آنچه بیشتر در ادبیات فارسی متداول شده و مرسوم است و در واقع بخش اساسی مرثیه سازی فارسی را تشکیل می دهد ذکر مصائب سالار شهیدان، حسین بن علی (ع) و اعوان و انصار آن حضرت در واقعه جانگداز کربلاست که شعرای معتقد چه شیعه و چه سنی را بر آن داشته که اشعاری درباره این حادثه دلخراش بسرایند. البته ذکر این نکته نباید به این معنی باشد که مرثیه سرایی فقط به این نوع محدود می شود. بلکه اشعار مرثیه خود به صورت های دیگر نیز وجود دارد.

## ۲-۲- پیشینه ی مرثیه:

« بنابر قول مشهور بسیاری از تذکره نویسان از جمله دولت شاه سمرقندی صاحب تذکره الشعرا و عوفی در لباب الالباب اولین شعری که سروده شده است شعر حضرت آدم ابوالبشر در رثای فرزندش هابیل بوده است. » (افسری کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۶)



درباره ی مرثیه سرایی در ایران پیش از اسلام اطلاع چندانی در دست نیست؛ ولی قرآینی نشان می دهد که مرثیه سرایی در ایران باستان رواج داشته است. رثای مرزکو یکی از نمونه های شناخته شده این قبیل مرثی است. نوحه سرایی در مرگ سیاوش را چند ماخذ تصریح کرده اند. معتبرترین این ماخذ تاریخ بخارا است. در قرون گذشته آوازه ی این سرود از حدود بخارا گذشته و در نواحی دیگر ایران نیز رایج شده است چنان که می گویند:

« در مراسم سوگواری در کوه گیلویه زنانی هستند که تصنیف های بسیار قدیمی را با آهنگی غمناک به مناسبت مجلس عزا می خوانند و همراه آن مویه می کنند و این عمل را سوسیوش (مرگ سیاوش) می نامند». (امامی، ۱۳۶۹: ۲۲)

داستان سووشون خانم سیمین دانشور نیز اشاره به همین مراسم در اطراف یکی از شهرهای استان فارس دارد که البته به نظر می رسد نشان از آمیختگی فرهنگ و اعتقادات مذهبی و اسطوره ای، ملی می باشد.

در مورد آمیختگی و نفوذ حوادث اساطیری در حوادث مذهبی موارد زیادی وجود دارد که یکی رزم بیژن با ترکان که شباهت زیادی به رزم قمر بنی هاشم، حضرت ابوالفضل (ع) دارد که وقتی دست مبارکش قطع می شود درفش را به دندان می گیرد «عمل درفش به دندان گرفتن در یادگار زیران نیز به گرامی پسر جاماسب نسبت داده شده است و در میان شیعیان نیز درباره ی حضرت عباس (ع) علمدار واقعه کربلا روایتی کم و بیش مشابه جاری است». (خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ص ۲۱)

همچنین داستان حضرت قاسم (ع) و بازوبندی که از طرف پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن مجتبی (ع) بر بازو داشت و در شعر اکثر شعرا از جمله راجی کرمانی و سروش آمده است شباهت زیادی به داستان سهراب و بازوبند او دارد و معلوم است که این حکایات از داستان های اساطیری وارد روایات مذهبی شده است.

### قدیمی ترین مرثی در شعر فارسی بعد از اسلام

« ظاهراً قدیم ترین مرثیه موجود شعر ابوالینبغی درباره ویرانی سمرقند است که سراینده آن یعنی ابوالینبغی عباس بن طرخان از اهالی سمرقند بود و تعلق خاطر وی به شهرش او را بر آن داشته است تا بر ویرانی های سمرقند مرثیه بسراید». (بهار، ۱۳۵۱: ۱۰۶)

« بعد از مرثیه ی ابوالینبغی، قدیم ترین مرثیه ی فارسی دری را باید از محمد بن وصیف سیستانی، شاعر دربار صفاریان دانست. این مرثیه در قالب قصیده ای کوتاه و مشتمل بر یازده بیت است که برای تأسف بر اوضاع ناگوار دولت آن زمان سروده شده است و پیرامون ناتوانی طاهر و یعقوب صفاری است» (امامی، ۱۳۶۹: ۳۴) و پس از رودکی، فردوسی و فرخی، هر کدام از شعرا مرثیه هایی به مناسبت های مختلف دارند.

## ۲-۳- اقسام مرثیه

نصرت الله امامی در کتاب مرثیه سرایی در ادبیات فارسی انواع مرثیه را به ۶ نوع تقسیم کرده است: «۱- مرثی درباری ۲- مرثی شخصی ۳- مرثی مذهبی ۴- مرثی فلسفی ۵- مرثی اجتماعی ۶- مرثی داستانی.» (همان، ۲۰)

### ۲-۳-۱- مرثی درباری:

این دسته از مرثی را شعرا در حق پادشاهان، شاهزادگان و بزرگان سروده اند. طبیعی است که هر قدر هم مرگ این بزرگان از اهمیت برخوردار می بود، باز هم نمی توانست عامل نیرومندی باشد که بار عاطفی این گونه مرثی را بالا ببرد. لذا جنبه ی احساسی این گونه مرثی غالباً زیاد نیست. در این گونه مرثی، شاعر می کوشد تا با گونه ای از اغراق خلأ ضعف عاطفی را پر کند و شاعر سعی می کند زمین و زمان را به هم بدوزد تا بر شور مرثیه بیفزاید. البته گاهی در مرثی درباری مرثیه هایی نیز پیدا می شود که شاعر از مرگ متوقی واقعاً متأثر گردیده است؛ مانند مرثیه ی فرخی در مرگ محمود غزنوی با مطلع:

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار      چه فتاده است که امسال دگرگون شده کار

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۱: ۹۰)

در مرثی درباری آنچه مورد وصف و مدح قرار می گیرد، جود، عدل، شجاعت و مملکت داری متوقی است و آن چه در این میان بیشترین مضمون شعر شاعر است، اثر مرگ او بر اوضاع کشور و مردم است. در مورد مرثی درباری آنچه قابل ذکر است، جمع بین تعزیت و تهنیت در این قسم مرثی است. از آنجا که غالباً مرگ هر پادشاه مقارن با جلوس پادشاهی دیگر است، شاعر در ضمن رثای مرگ پادشاه

در گذشته، جلوس پادشاه دیگر را تهنیت می گوید. شاعران عرب این نوع رثا را دشوارترین گونه‌ی آن می دانستند. در میان مراثی سی و اندی شاعر که مورد بررسی قرار گرفت. فقط یک مرثیه مشاهده شد که صنعت افتنان در آن رعایت شده و شاعر تعزیت و تهنیت را در سروده ای جمع کرده باشد و آن مرثیه ای است که وصال شیرازی در تعزیت در گذشت محمد علی میرزا و تهنیت حشمت الدوله سروده است. این مرثیه در قالب قصیده و شامل ۳۱ بیت است:

دریغ آن مایه‌ی رحمت، فری آن سایه‌ی یزدان	یکی پرداخته مسند یکی افراخته ایولن
یکی دولت‌شبه بلال، یکی حشمت‌شبه علال	یکی با دست‌نگه جم، یکی با عدل نوش‌رون
یکی بدرود کرده تخت و پهل‌ولده بر تخته	یکی پدرام کرده بخت و ایولن برده زی کیولن

همان طور که می دانیم در شعر اغلب شاعران تهنیت، شکل یک مدح و ستایش ساده را پیدا می کند که در آخرین ابیات مرثیه آورده می شود. از جمله مرثیه معروف فرخی در مرگ سلطان محمود. که فرخی در آخرین ابیات مرثیه ی خود با یادآوری ولیعهدی و جانشینی محمد بن محمود می گوید:

زنده بادا به ولیعهد تو نام تو مدام	ای شه نیک دل نیک خوی نیکوکار
دل پژمان به ولیعهد تو خرسند کناد	این برادر که ز درد تو زد اندر دل نار ...

اما وصال در مرثیه ی مذکور، از همان بیت اول ضمن دریغ مرگ شاه در گذشته، شادی خود را از جلوس شاه جدید بیان می دارد و این روند تا آخر مرثیه ادامه دارد، درباره ی این مرثیه در جای خود مفصل بحث خواهد شد.

مراثی زنان و کودکان در باری نیز بخشی از مراثی فارسی را به خود اختصاص داده است. که غالباً مادران و همسران و دختران و فرزندان سلاطین و امرا هستند که در سنین مختلف وفات یافته اند.

«ادبا و شعرای عرب نیز که از دیر باز در این زمینه طبع آزمایی کرده اند معتقدند که (من اشد

الرثا صعوبه علی الشاعران یرقی طفلا او امراه یضیق و الکلام علیه فیها و قله الصفات».(امامی، ۱۳۶۹: ۴۶)

از نمونه مراثی این دوره مرثیه ایست که همای شیرازی به مناسبت مرگ شخصی به نام بلقیس خانم سروده است. هما قسمت عمده این مرثیه را که در قالب قصیده و حدود ۳۳ بیت می شود در مورد بی وفایی دنیا و فلسفه ی مرگ پرداخته است و بعد از این مقدمات از آن جا که میدان سخن تنگ است فقط چهار بیت آخر را به رثای بلقیس خانم اختصاص داده است. مطلع این قصیده چنین است:

عروس جهان را وفا نیست آیین ز دستان این زال امین مشو هین

از نمونه مراثی درباری در میان شعرای مورد بحث چند بیت از قصیده ای که سرش در مرگ قهرمان میرزا سروده است، ذیلاً نقل می شود:

جوانمرگ شاها دریغ از جوانی	دریغ آن برو بازوی پهلوانی
پس از تو جهان زیستن را نشاید	جهاننا پس از قهرمانشه نمائی
ز روی شهنشاه آرم بسادات	که جان برادرش را می ستانی
چرا ظلم کردی بدان شه که در تو	نکردست جز عدل نوشیروانی

### ۲-۳-۲- مراثی شخصی و خانوادگی:

این دسته از مراثی پر احساس ترین و شور انگیزترین گونه رثا در ادب فارسی است و بی تردید از نظر ارزش هنری و ادبی نیز به واسطه قوی بودن زمینه ی عاطفی برترین قسم مراثی را تشکیل می دهد. مراثی شخصی غالباً اشعاری است که شاعر در مرگ زن و فرزند و یا شخص دیگری از خانواده خود می سراید. در مراثی شخصی، شاعر خود در متن ماجرا بوده و احیاناً خود ناظر بسیاری از جنبه های آن است به این علت دامنه تصویر سازی و صحنه پردازی قوی است و از آنجا که از دلی سوخته بر می خیزد بازگو کننده احساسات و عواطف درونی و واقعی شاعر است و در شمار زیباترین اشعار ادبیات فارسی قرار دارد.

به هر حال، صاحب نظران مراثی خانوادگی را از نظر صداقت در ردیف مراثی مذهبی قرار داده اند. در مراثی شخصی اگر چه شاعر از اندوه خود سخن می گوید اما از آنجا که سخنش آشناست مشتاقان زیادی می یابد.

مؤثر ترین و دلنشین ترین مرثیه خانوادگی که از طرفی جزو مراثی اجتماعی نیز هست، مرثیه ایست که صباحی بیدگلی به مناسبت زلزله کاشان در سوگ خانواده خود سروده است. مرثیه مذکور در قالب ترکیب بند سروده شده است. بند نخست این مرثیه نقل می شود: